

بررسی آموزه‌های تربیتی در داستانهای کودک و نوجوان دهه نود

ربابه داهیم^{۱*}، مطهره صلح‌جو^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

سال هجدهم، شماره دهم، دی ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۶، صص ۱۹۶-۱۷۹
<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8003>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: از اهداف اصلی ادبیات کودک و نوجوان، تعلیم و تربیت مخاطب است و داستان-نویسی علاوه بر سرگرمی، بستر مناسبی برای انتقال آموزه‌های مختلف می‌باشد، در این پژوهش با هدف تأملی بر آموزه‌های تربیتی در موضوعهای اخلاق فردی، خانواده، اجتماع و وطن در آثار داستانی دهه نود، تعداد ده اثر داستانی این دوره، مورد تحلیل قرار گرفته است.

روش: گردآوری اطلاعات با مطالعه کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق، تعداد ده کتاب داستانی دهه نود در موضوعهای مختلف از گروه سنی ۵ تا ۱۰ ساله می‌باشد که با توجه به گروه سنی، موضوع داستانی و پرمخاطب بودن با نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. **یافته‌ها:** دهه نود در حوزه ادبیات کودک و نوجوان آثار متنوعی دارد و در موضوعهای مختلف، داستان در گروه‌هایی سنی مختلف تألیف شده است. اهمیت فرد، خانواده و جامعه محوریت موضوعی داستانهاست و نویسندگان با ابزار طنز، نقد، نمادسازی از حیوانات، بازنویسی آثار ادبیات کلاسیک، محتوای سرگرمی، رمان روانشناختی به آموزه‌های مستقیم و غیرمستقیم پرداخته‌اند. آموزه تربیتی در اخلاق فردی ادامه ادب تعلیمی است که نکوهش ردیلتها و ستایش فضیلت‌های اخلاقی برای کسب مهارت‌های زندگی است، در موضوع خانواده، تأکید بر اهمیت خانواده، همکاری و تعامل اعضای خانواده باهم، صمیمیت، عشق و محبت خانوادگی آموزه تربیتی است. در موضوع جامعه و وطن آموزه تربیتی در حب وطن، هوشیاری در حفظ وطن و مقابله با خائنان، اخلاق اجتماعی و رعایت حقوق افراد، احترام به هم‌نوع، کسب مهارت‌های اجتماعی، کارگروهی، رعایت بهداشت و حفظ محیط زیست آمده است.

نتیجه‌گیری: در محتوای آثار داستانی دهه نود، در موضوع فرد، خانواده و جامعه، آموزه‌های تربیتی برای کسب مهارت‌های زندگی در اخلاق فردی و اجتماعی، حفظ خانواده و تأکید بر روابط خانوادگی صمیمی، کسب مهارت‌های اجتماعی در زندگی جمعی، اهمیت وطن و حفظ محیط زیست آمده است.

تاریخ دریافت: ۰۵ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۰۶ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۲۱ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۰۷ آبان ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

داستان، کودک و نوجوان، آموزه، فرد، خانواده، جامعه، دهه نود.

* نویسنده مسئول:

r.dahim@cfu.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Study of Educational Teachings in Children's and Adolescent Stories of the 90th decade(2010s)

R. Dahim^{*1}, M. Solhjoo²

1- Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Urmia University, Urmia, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 July 2025

Reviewed: 28 August 2025

Revised: 12 September 2025

Accepted: 29 October 2025

KEYWORDS

Children's and young adult fiction;
moral teachings; individual; family;
society; 2010s.

*Corresponding Author

✉ r.dahim@cfu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the primary objectives of children's and young adult literature is to develop and educate its audience. In addition to providing entertainment, story writing serves as an effective medium for conveying various educational and moral lessons. This study aims to reflect on such teachings in relation to individual ethics, family, society, and homeland by analyzing ten fictional works from children's literature in Iran during the 2010s.

METHODOLOGY: The data for this study were collected through library research and analyzed using a descriptive-analytical approach. The statistical population consists of ten fictional books for children, published in the 2010s, covering various themes and belonging to age groups of early childhood to late adolescents. The selected works were chosen through random sampling based on their target age group, thematic relevance, and popularity among readers.

FINDINGS: Findings: Children's and young adult literature of the 2010s demonstrates considerable diversity in both themes and target age groups. The central focus of these narratives revolves around the individual, family, and society. Authors have employed various narrative techniques such as humor, critique, symbolism through animal characters, adaptation of classical literary works, entertainment-oriented storytelling, and psychological novels to convey both explicit and implicit educational messages. Moral instruction related to individual ethics continues the tradition of didactic literature, emphasizing the condemnation of vices and the praise of virtues to foster life skills. In the family-oriented narratives, the emphasis lies on the significance of familial relationships, cooperation and interaction among family members, and the nurturing of affection and intimacy within the family unit. In the social and patriotic themes, the moral lessons highlight love of homeland, vigilance in protecting the nation, resistance against betrayal, social ethics, respect for others, teamwork, personal hygiene, and environmental preservation.

CONCLUSION: The content of fictional works for children and adolescents in the 2010s reflects a variety of educational teachings that aim to cultivate essential life skills. These include the promotion of moral and social virtues, the strengthening of family bonds, the enhancement of social competencies within collective life, and the emphasis on patriotism and environmental awareness.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8003>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 1	 0

مقدمه

در ادبیات کودک و نوجوان، آموزه، هدف بنیادی است به گونه‌ای که میتوان گفت این ادبیات برپایه انتقال انواع آموزه‌ها به مخاطب شکل گرفته و هدف اصلی آن آگاهی، تعلیم و تربیت مخاطب کودک و نوجوان است. کلمه آموزه از «آموزش» یا «آموختن» است. در فرهنگ معین در ذیل کلمه «آموزش» آمده است: «عمل آموختن، یاد دادن، تعلیم، تربیت و پرورش» و در ذیل کلمه «آموختن» آمده است: «فراگرفتن، یادگرفتن، تعلم» (معین، ۱۳۹۰: ۱). ذیل واژه‌ها) در تعریف اصطلاحی، آموزه چیزی است که آموزگاری آن را به مخاطب می‌آموزد. در معنای کلی، تربیت به جریان یا فرآیندی منظم و مستمر گفته میشود که هدف آن، هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی، هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست (سیف، ۱۳۸۷: ۴۶۲) هم‌اکنون ادبیات کودک و نوجوان در کشور در راستای انتقال انواع آموزه‌ها به مخاطب به صورت شعر و داستان فعالیت دارد و هر ساله آثار متعددی چاپ میشود. در این پژوهش، با بررسی ده اثر داستانی برجسته از گروههای سنی مختلف که چاپ اول آنها در دهه نود میباشد، آموزه‌های تربیتی در موضوع فرد، خانواده و جامعه بررسی شده است، سؤال تحقیق این است که در دهه نود کدام آموزه‌ها در اخلاق فردی و اجتماعی مورد توجه بوده و نویسندگان با چه روشهایی این آموزه‌ها را بیان کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

بررسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان از نظر مضمون و درونمایه در تحقیقات متعدد بررسی شده است اما در مورد موضوع و جامعه آماری این مقاله، تاکنون پژوهشی چاپ نشده است، در ارتباط با بررسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان، پژوهش در مورد بررسی محتوایی در دست است از جمله: زمانی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی ادبیات داستانی کودک و نوجوان: مرور نظام‌مند» به بررسی پژوهشهای حوزه کودک که در مورد مؤلفه‌ها و معیارهای ساختاری و محتوایی ادبیات کودک سخن گفته‌اند، پرداخته‌اند. اسپرم و پیلهور (۱۳۹۵) در مقاله «نگاهی تطبیقی به داستان کودک در ایران و غرب (گروه سنی ب و ج) با تأکید بر مؤلفه‌های تعلیم و تربیت» ده اثر داستانی را با نگاه تطبیقی بررسی کرده‌اند. صفری (۱۳۹۵) در رساله «بررسی تطبیقی درونمایه داستانهای نویسندگان برجسته کودک ایران و جهان» ۱۵۰ داستان از آثار نویسندگان برجسته ایران و جهان را بررسی کرده‌اند. نجفی بهزادی، صالحی بروجنی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی درونمایه‌های آموزشی-مهارتی و تربیتی-اخلاقی داستانهای منتخب کودک ایران و جهان» ۴۵ اثر داستانی ایران و جهان را از نظر موضوعات اخلاقی آموزشی بررسی کرده‌اند. جعفری راد و همکاران (۱۴۰۳) مقاله «تحلیل بازآفرینی مفاهیم تربیتی برای کودکان دهه ۸۰ و ۹۰ با تأکید بر مثنوی مولوی» آثار بازنویسی مربوط به مثنوی را بررسی نموده‌اند. در این پژوهشها، جامعه آماری مقاله حاضر استفاده نشده بود و نگرش نویسندگان صرفاً بیان محتوا بود و به انتقال آموزه‌ها توجه نکرده‌اند. در بررسی آثار کودک دهه نود، محمدی و همکاران (۱۴۰۳) مقاله «بررسی درونمایه اشعار کودک و نوجوان در دهه نود در ماهنامه بهار ادب چاپ کرده‌اند همچنین این نویسندگان (۱۴۰۴) مقاله «بررسی اشعار کودک و نوجوان در دهه نود با رویکرد نوع ادبی غنایی» را چاپ کرده‌اند. در بررسی آثار نویسندگان این تحقیق، پژوهش موجود است، اما به موضوع این مقاله ارتباطی ندارد. این پژوهش در ادامه تحقیقات قبلی در جهت شناخت محتوای ادبیات داستانی دهه نود، روشهای انتقال آموزه و بیان انواع آموزه‌های تربیتی در این دهه انجام گرفته است.

بحث و بررسی

ادبیات کودک و نوجوان

از گسترده‌ترین بخش‌های ادبیات هر ملتی، ادبیات مربوط به کودک و نوجوان است که نقش مهمی در آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای ورود به عرصه‌های اجتماعی ایفا می‌کند. تعاریف متعددی هم برای آن بیان شده است، در جدیدترین تعریف، کاشفی خوانساری، مقاله «ادبیات کودک» احسان یارشاطر را که در سال ۱۹۹۱ در دانشنامه ایرانیکا چاپ نموده بود، ترجمه کرده است. وی در تعریف ادبیات کودک گفته است: «ادبیات کودک یک ژانر ادبی است که در آن از مضامین، زبان و تصاویر متناسب با سطوح رشد کودکان استفاده می‌شود. این ژانر در قرن سیزدهم (نوزدهم میلادی) در ایران شناخته شد» (کاشفی خوانساری، ۱۴۰۴: ۲۱۱) در مقایسه با ادبیات بزرگسالان، ادبیات کودک تمامی ویژگی‌های آن را دارد فقط مختص مخاطب کودک و نوجوان تألیف می‌شود و به اقتضای مخاطب از نظر زبان، بیان و محتوا چارچوب خاص خود را دارد ادبیات کودک و نوجوان با توجه به گروه‌بندی سنی از سالهای ماقبل دبستان تا اتمام دوره متوسطه است. برای آن شش گروه مخاطبی در انتشار کتابها بیان شده است که عبارتند از: گروه سنی الف: سالهای پیش از دبستان (۳ تا ۶ ساله)، گروه سنی ب: سالهای آغاز دبستان (۷ تا ۹ سال)، گروه سنی ج: سالهای پایان دبستان و دوره راهنمایی (۱۰ تا ۱۲ سال)، گروه سنی د: سالهای آخر دوره راهنمایی و آغاز دوره دبیرستان (۱۳-۱۵ سال) گروه سنی ه: سالهای دبیرستان (۱۶-۱۸ سال) است. جنبه سرگرمی و در کنار آن انتقال آموزه‌های مختلف هدف اصلی این ادبیات است. قبل از هر چیز «هدف از ادبیات کودکان کمک به آنها در توسعه میدان تفکر و خلاقیت و حتی یاری در زندگی عملی است» (رحمانی خیاوی، ۱۳۸۳: ۳) در انتقال انواع آموزه‌های تربیتی در شعر و داستان نیز، مطابق با فرهنگ جامعه، هدف رشد روانی و اخلاقی کودک و نوجوان مطرح است که در حوزه اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی، همسو با آداب و فرهنگ جامعه پرورش یابد، چنانکه «کودک از طریق داستان با ابعاد فرهنگی اجتماع آشنا می‌شود، به جهان پیرامون آگاه می‌شود و واقعیات را درک می‌کند» (رشتچی، ۱۳۸۹: ۲۶) و نگارش داستان اهمیت بسزایی در آموزش دارد می‌توان گفت «درونمایه ادبیات داستانی، بازتاب قوانین زندگی انسان در اجتماع است یا خود یک زندگی است» (باباسالار، المرعی، ۱۳۹۶: ۴۶) شعر و داستان به صورت شفاهی قبل از اینکه آثار مکتوب وجود داشته باشد، با عنصر تعلیم و سرگرمی رواج داشت و در خاطره نسلهای مختلف مانده است. بعد از اینکه در ادبیات معاصر، ادبیات کودک جایگاه واقعی خود را در ادبیات فارسی به دست آورد، نگارش آثار ادبی در جهت سرگرمی و تعلیم بازنویسی آثار کهن و نگارش داستان براساس گروه‌های سنی آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته است. داستان‌نویسی برای کودک، از مهم‌ترین عوامل تشویق کودکان به آموزش و تفکر است و برای نوجوانان بهترین زمینه‌سازی ورود به دنیای بزرگسالی است، ذهن کودکان با قصه با دنیای اطرافشان ارتباط بهتری برقرار می‌کند و آموزش به این طریق مؤثر است.

معرفی داستانها

آثار ادبیات کودک و نوجوان در دهه نود رشد چشمگیری داشته است با گزارش آماری سایت خانه کتاب بیش از بیست هزار جلد کتاب در این دهه در حوزه شعر و داستان کودک و نوجوان چاپ شده است (سایت خانه کتاب) که تقریباً نیمی از آن در حوزه داستان است. در این تحقیق با نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ده اثر از آثار نویسندگان پرمخاطب و فعال در گروه سنی «ب» تا «ه» انتخاب شد. داستانهای انتخاب شده در موارد زیر است

- **ماهی قرمز، ماهی طلایی**، احمد رضا احمدی (۱۳۱۹-۱۴۰۲). داستان زندگی دو ماهی قرمز و ماهی طلایی‌ای است که با هم دوست هستند.

- **هندوانه از مجموعه قصه‌های من و بچه‌هام**، شهرام شفیعی (متولد ۱۳۴۹). داستان یک خانواده چهارنفره است که با صمیمت کنار هم زندگی میکنند و برای آنها اتفاقاتی میافتد که نویسنده در پنج داستان کوتاه با زبان طنز روایت کرده است.

- **سه اسب چوبی از مجموعه قصه‌های من و بچه‌هام**، شهرام شفیعی این کتاب هم، همانند کتاب قبلی زندگی یک خانواده چهارنفره در پنج داستان کوتاه است.

- **موش سر به هوا**، فرهاد حسنزاده (متولد ۱۳۴۱)، داستان یک موش کوچک سر به هوا است که با نجات جان بقیه دوستانش، قهرمان داستان میشود.

- **خاطرات یک خون آشام عاشق**، فرهاد حسنزاده، داستان پشه‌ای است که میخواهد انتقام نامزدش را از آرمیوه‌گیری بگیرد که او را کشته و سرانجام او را میبخشد.

- **گلستان سعدی، قصه‌های شیرین ایرانی**، فرهاد حسنزاده، این کتاب بازنویسی حکایت‌های گلستان سعدی است.

- **زیبا صدایم کن**، فرهاد حسنزاده، داستان دختر پانزده ساله‌ای است که در مؤسسه‌ای زیر نظر بهزیستی زندگی میکند و در روز تولدش با پدرش که بیماری روانی دارد، به گردش میرود.

- **وقتی مژی گم شد**، حمیدرضا شاه‌آبادی (متولد ۱۳۴۶)، درباره‌ی گمشدن دو دختر خاله در یک سفر و اتفاقاتی است که در این سفر برای آنها میافتد.

- **کبوترباشی**، مسعود ملکپاری (متولد ۱۳۵۹) داستان یک کبوتر دکتر است که حیوانات بیمار را درمان میکند.

- **احتیاط! خطر حمله‌ی موشها و دیگران**، سید علی شجاعی (متولد ۱۳۶۲) داستان مردم روستایی است که از گربه‌ها برای دفع موشها استفاده میکنند اما سرانجام متوجه میشوند که گربه‌ها و موشها با هم دوست شده‌اند.

گروههای سنی و شخصیت‌های داستانی ده داستان در جدول زیر به طور خلاصه چنین است

نام داستانها	گروه سنی	راوی	شخصیتها
ماهی قرمز ماهی طلایی	ج	سوم شخص	حیوانی: ماهی
هندوانه	ج	اول شخص از زبان پدر خانواده	انسان
موش سر به هوا	ب	سوم شخص	حیوان: هفت موش
سه اسب چوبی	ج	اول شخص از زبان پدر خانواده	انسانی
وقتی مژی گم شد	ه	هشت راوی مختلف از زبان شخصیت‌های داستان	انسانی
خاطرات یک خون آشام	د	اول شخص	حیوانی: پشه
احتیاط، خطر حمله موشها و دیگران	ج	سوم شخص	حیوانی: گربه، موش انسانی
کبوتر باشی	ج	سوم شخص	حیوانی: کبوتر و پرندگان
زیبا صدایم کن	د و ه	سوم شخص	انسانی
گلستان سعدی	ج	سوم شخص	انسانی

بررسی آموزه‌ها

آموزه‌های تربیتی و اخلاق فردی

آموزه‌های اخلاقی در چارچوب علم اخلاق به آموزش فضیلت و نکوهش رذیلت‌های اخلاقی می‌پردازد «علم اخلاق، دانشی است که صفات نفسانی خوب و بد و رفتارهای متناسب با آنها را معرفی میکند و شیوه به دست آوردن صفات خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات بد و کردار ناپسند را نشان می‌دهد» (هدایتی، ۱۳۹۳: ۱۲۶) یکی از اهداف مهم ادبیات کودک، تعلیم و تربیت اخلاق فردی است و آثار داستانی دهه نود نیز در ادامه این آموزه با تنوع بسیار چاپ شده است، در این دهه در محتوای سرگرمی، رمان روانشناختی، علمی، بازنویسی ادبیات کهن و داستانهای طنز، این آموزه آمده است. این آموزه‌ها قابل تعمیم به آموزه‌های تربیتی در حوزه اخلاق اجتماعی نیز می‌باشند. در گروه سنی «ب» و «ج» بیشترین آموزه‌های فردی دیده می‌شود که با بازنویسی، طنز و سرگرمی آمده است.

آموزه تربیتی با سرگرمی و بازی: هدف اولیه از ادبیات کودک، بازی و سرگرمی کودک است که در این هدف، تربیت اخلاقی، رشد جسمی و روانی کودک تقویت می‌شود و سرگرمی اولین قدم در آموختن نکات تربیتی است، «بازی یکی از عوامل مهم در سلامت و رشد جسمانی و روانی و عاطفی کودک است و اگر به خوبی طراحی و برنامه‌ریزی شود، وسیله‌ای بسیار مناسب برای تربیت اجتماعی و تکوین شخصیت کودکان است» (منحصر، ۱۴۰۲: ۷) انواع آموزه‌ها در بازی نهفته است از جمله «بازی خود ازاری، خودشناسی، خودشکوفایی و خودکارآمدی را ارتقا می‌دهد» (ملنتین، ۱۳۹۸: ۲۱) نگارش داستان برای سرگرمی کودک و گنجاندن بازی در داستان، یک روش برای آموزه تربیتی است؛ با توجه به درونمایه داستانهای چاپ شده در دهه نود، در داستانپردازی نیز سرگرمی، برای گروه بندی سنی، گروه الف، ب و ج، هدف اصلی هستند. از نمونه تحقیق کتابهای گروه سنی «ب» و «ج» فرهاد حسنزاده را میتوان نام برد، در داستان «موش سر به هوا» که مورد مطالعه تحقیق حاضر است، حکایت سفر رفتن هفت موش را آورده که موش هفتمی سربه هوا است. نگارش نویسنده در جنبه داستانی، سرگرم‌کننده است اما احترام به هموع، مهربانی و اعتماد به نفس داشتن، را در این سفر دسته‌جمعی آموزش داده است، نگارش داستان نیز جنبه سرگرمی دارد، در آغاز بعد از معرفی موش سربه هوا از او دعوت میکند به داستان بیاید زیرا قرار است داستانی درباره او بنویسد که اگر نیاید بچه‌ها ناراحت میشوند (حسنزاده، ۱۳۹۸: ۱۱) اینگونه با سرگرمی مخاطب را با محتوا همراه میکند. در اثنای متن با تصویر، صفحات بازی برای کودک قرار داده است. در سفر موشها وقتی به گردو میرسند، با تصویر موش و گردو از مخاطب خواسته تا گردوها را به موشها وصل کنند (همان: ۲۰) در ادامه با تصویر حمله عقاب از کودک می‌خواهد موشهای پنهان شده را پیدا کنند (همان: ۲۶) صفحه ۳۶ بازی فکری دارد و با آوردن تصاویری می‌پرسد موش سربه هوا از دوستانش چه می‌خواست، آن را انتخاب کنید. در اینجا آموزه تربیتی آشکار میشود، بر طبق محتوا، موشهای دیگر به موش سربه‌هوا غذا نداده بودند و آنجا متوجه میشوند که کار اشتباهی کردند. مخاطب کودک نیز به صورت بازی که با تصاویر متعدد چند چیز را آورده، غذا را انتخاب میکند. همچنین در این داستان، نویسنده از صفت «سر به هوا» محتوای تربیتی ساخته است. «سر به هوا» صفتی است که در ظاهر نمیتواند کاری بکند و حواس جمع نیست و بی‌دقت است. اما نویسنده به گونه‌ای محتوا را چیده که موش سر به هوا قهرمان میشود. این الگو برای کودکان میتواند آموزه تربیتی باشد که کودک در جمع دوستان مهارت اجتماعی یاد بگیرد و اعتماد به نفس داشته باشد. موش قصه از خجالت سرش را پایین نمی‌اندازد بلکه بالا می‌گیرد برای همین نیز عقاب را می‌بیند و به دوستانش کمک میکند «موش هفتم از خجالت سرش را بالا گرفت

و راه افتاد. موش‌ها توی صحرا به سفرشان ادامه دادند. رفتند و رفتند و رفتند. ناگهان عقایی از بالای آسمان آنها را دید. به به! هفت تا لقمه چرب و نرم و به سوی آنها فرود آمد. هیچکدام از موشها عقاب را ندیدند جر..... موش هفتم. فریاد زد: فرار کنید عقاب... عقاب... عقاب... فرار کنید! موشها لابه‌لای علفها و سنگها قایم شدند» (همان: ۱۲).

آموزه تربیتی با طنز و داستان فکاهی: مجموعه کتابهای «قصه‌های من و بچه‌هام» (۲۰ جلدی) شفییی نیز با این هدف اصلی چاپ شده است. شفییی با زبان فکاهی، درباره زندگی روزمره و سرگرمی کودکان داستان نوشته است. کتابهای او به گفته خودش خاطره مادر بزرگها و پدر بزرگهای هفتادسال به بالا خواهد بود و سرگرم کردن کودکان هدف اولیه نویسنده میباشد. به طور ضمنی اهمیت سرگرم کردن کودکان در محیط خانواده را نشان میدهد که یکی از وظایف والدین باید باشد، در کتاب «هندوانه» که برای بررسی انتخاب شده است، همه داستانهای آن برای مخاطب سرگرم کننده است. برای نمونه: داستان اول راجع به اثاث‌کشی خانواده است. همکاری و تعامل با یکدیگر با سرگرمی منتقل میشود. پدر و مادر تصمیم میگیرند وسائلی را که قرار است در انباری خانه جدید بگذارند با علامتی مشخص کنند. مادر خانواده پیشنهاد میدهد که روی آن کارتن‌ها دایره قرمز بکشند، تا از بقیه کارتن‌ها قابل تشخیص باشند؛ اما دختر کوچک خانواده شیطنت میکند و روی بقیه کارتن‌ها نیز دایره میکشد. آنها به خانه جدید میروند، از قبل به کارگرها گفته بودند کارتن‌هایی که علامت قرمز دارند به انبار بگذارند، کارگران نیز همه کارتن‌ها را انبار میگذارند، برای همین هرچه دنبال وسایل میگردند پیدا نمیکنند، بعد از مدتی خانواده متوجه شیطنت دختر خانواده میشوند. دختر بچه میگوید: «دیشب وقتی شما خوابیدید من روی همه کارتن‌ها دایره قرمز کشیدم» (شفییی، ۱۳۹۸: ۶) یا داستان سوم درباره خریدن هندوانه است. روزی مادر بزرگ به خانه آنها می‌آید و از پدر خانواده میخواهد، هندوانه شیرین بخرد. اهل خانواده غیر از دختر بچه کوچک برای خرید هندوانه به میوه‌فروشی میروند اما هیچکدام سلیقه دیگری را در انتخاب هندوانه نمیپسندد و در آخر برای خریدن هندوانه همگی با هم به بازار میروند و یک هندوانه انتخاب میکنند «آقای میوه‌فروش خندید و گفت همه شما اولش هم همین هندوانه را انتخاب کرده بودید، این همان هندوانه‌ای است که از صبح به خانه شما می‌رود و برمیگردد» (همان: ۱۴). این دو داستان در نگاه اول جنبه سرگرمی داشتند و نویسنده هیچگونه نکته تعلیمی صریح نگفته است، در ظاهر یک قصه سرگرمی طنز است، اما اهمیت جایگاه فرزندان در خانواده، حق شیطنت داشتن و مؤاخذه نشدن، تعامل با هم در کارهای خانه، شرکت در تصمیم‌گیریها از محتوای آن مشخص است.

حسنزاده در داستان «خاطرات خون آشام عاشق» آموزه گذشت و بخشش را با داستان فکاهی نشان میدهد. پشاهی در آغاز داستان به دنبال انتقام است، او میخواهد انتقام همسرش را بگیرد، تا زمانی که در فکر انتقام بود پر از فشار و اضطراب بود؛ اما وقتی تصمیم به گذشت و بخشش گرفت آرامش تمام وجودش را فرا گرفت. مخاطب با خواندن این داستان مفهوم گذشت را یاد میگیرد. در آغاز داستان، خون‌آشام انگیزه انتقام خود را چنین تعریف میکند: «من که اولش خون‌آشام نبودم که. بعدش خون‌آشام شدم که آن هم نه به خاطر دوستی با دوستان ناباب که، به خاطر بیسوادی و فقر فرهنگی که، فقط به خاطر انکار و طرد شدن از جامعه که، و از همه مهمتر به خاطر انتقام که. ما خون‌آشامها قانونی داریم که میگوید: اگر نمیتوانی انتقام بگیری، برو اسمت را عوض کن و اگر میتوانی انتقام بگیری نرو اسمت را عوض کن. حالا چی شد که من تو خط انتقام افتادم که؟! آخ! به یادش که میافتم آتش میگیرم که.» (حسنزاده، ۱۳۹۲: ۳)

او با نامزدش به آب میوه‌فروشی میرود و صاحب آنجا با لگد نامزدش را میکشد و از همانجا، خون‌آشام به فکر انتقام میافتد (همان: ۶). بعد از آن روز مرتب در صدد انتقام است تا اینکه آبمیوه‌فروش تصادف میکند و در بیمارستان بستری میشود، پشه برای انتقام به آنجا میرود ولی با دیدن حال او دلش میسوزد و از انتقام میگذرد و میگوید «خون آشامها باید مهربان باشند تا آدمها هم از آنها یاد بگیرند» (همان: ۷۳).

آموزه تربیتی با بازنویسی ادبیات کهن: در بخش بازنویسی و بازآفرینی کتاب «گلستان سعدی از قصه‌های شیرین ایرانی» فرهاد حسنزاده برای بررسی در این مقاله انتخاب شد که تعداد هجده حکایت گلستان را بازنویسی کرده است، در بازنویسی با تغییر دادن شخصیت‌های حکایت و داستان‌سازی امروزی، داستان جدیدی برپایه حکایات سعدی نوشته است و مفاهیم اخلاقی را نیز در گفتگوی شخصیتها قرار داده است. روش نویسنده این است که در گفتگوهای شخصیتها و توصیفات زندگی آنها، آموزه‌های اخلاقی را قرار داده است. برای نمونه داستان اول مجموعه «پول به جان» افتاد «بازنویسی حکایت ۷ باب ششم است، آموزه اصلی داستان نکوهش خساست برپایه حکایت سعدی است، که توانگری خسیس به جای قربانی دادن برای بهبودی فرزندش، به ختم قرآن اکتفا میکند. حسنزاده با طنز کلامی، شخصیتی به نام چنگیز خلق کرده که با اینکه پول دارد اما نمیخواهد به خانواده‌اش بدهد «از خسیسی لنگه نداشت. در بساط او پول بود؛ ولی اهل خرج کردن نبود. به خودش و خانواده‌اش سختی میداد؛ ولی حاضر نبود از پولهایش برای آنها خرج کند. یک کاسه ماست میخرد و به زنش میگفت: مواظب باش زود تمام نشود؛ این ماست برای یک ماه است. وقتی هم تمام شد، توی کاسه‌اش آب بزن و یک تَنگ دوغ درست کن که بچه‌ها بخورند و هی نگویند بابایمان خسیس است و چیزی نمیدهد بخوریم» (حسنزاده، ۱۳۹۱: ۲). روزی فرزند او بیمار میشود، او فرزندش را به دکتر نمیبرد و به دروغ میگوید بهترین حکیم را برای او آورده است اما بهتر نشده است، وقتی همسایه به او پیشنهاد میکند برای بهبودی او قربانی کند یا ختم قرآن برگزار کند، چنگیز دومی را انتخاب میکند که هزینه ندارد، نویسنده از زبان شخصیت الیاس به نکوهش خساست او میپردازد و چنین افراد را نقد میکند «چنگیز چند لحظه‌ای به فکر فرو رفت انگار میبایست سختترین تصمیم زندگی‌اش را میگرفت. در حالیکه دستمالش را در جیبش میچلاند: گفت به نظرم خواندن قرآن در خانه بهتر است چه کسی میتواند برود صحرا و گله گوسفند پیدا کند و گوسفندی بگیرد و به اینجا بیاورد؟ الیاس لبخندی زد و سری تکان داد گویی انتظار همین حرف را از آن مرد خسیس داشت دستی بر شانه او زد و گفت البته شاید به این خاطر میگویی ختم قرآن بهتر است که قرآن بر سر زبان است و پول به جانت چسبیده. بعد در حالیکه از آنجا دور میشد، زمزمه کرد: بعضی از آدمها موقع گرفتاری، اگر بخواهند پول بدهند مثل خر توی گل گیر میکنند؛ ولی اگر بخواهند دعا بخوانند حاضرند هزاران بار بخوانند چون این کار هیچ خرجی ندارد» (همان ۲-۷).

آموزه‌های تربیتی و خانواده

خانواده محیط اصلی است که شخصیت اجتماعی کودک در آنجا شکل میگیرد و تربیت خانوادگی اهمیت بسزایی در رشد روانی کودک دارد، موضوع خانواده یکی از مفاهیمی است که در دهه نود در نگارش آثار ادبی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله داستانهای «قصه‌های من و بچه‌هایم»، «وقتی مژی گم شد»، «زیبا صدایم کن» با محوریت خانواده نوشته شده‌اند. آموزه‌های تربیتی در حوزه اخلاق فردی در موضوع خانواده وجود دارد و علاوه بر آن موارد زیر در مؤلفه‌های تربیتی قابل بیان است.

خانواده صمیمی و شاد در محتوا: در مجموعه قصه‌های من و بچه‌هایم، جایگاه کودکان در خانواده و اهمیت آن در تصمیمات زندگی مورد دقت است و این مورد در محتوای کلی داستان وجود دارد، نویسنده با کلام طنزآمیز

آموزه‌های تربیتی متعددی برای کودکان دارد و مؤثر بودن کودک را در کمک به پدر و مادر توصیف کرده است، مجموعه هندوانه، ماجرای خانواده چهارنفره است که گاهی هم مادر بزرگ به خانه آنها می‌آید. زندگی آنها با شادی و ارتباط صمیمی باهم ادامه دارد، پدر و پسر خانواده باهم مثل دوست به بازی و تفریح می‌روند و باهم کار میکنند، کمک بهم در کارهای خانه مثل کمک به اثاث‌کشی در داستان اول «دایره قرمز»، خرید هندوانه در داستان سوم، فروش گردو در داستان چهارم تعامل را نشان می‌دهد. تفریح و سرگرمی باهم در داستان «ماشین» آمده که پدر و پسر برای دوچرخه‌سواری باهم می‌روند، روز بعد همگی به سینما می‌روند، بار دیگر پدر و پسر باهم پیاده می‌روند، وقتی مادر بزرگ حالش بد میشود نگرانی میکنند و آمبولانس خبر میکنند، همچنین گفتگوها میان اعضا صمیمی است، عصبانی شدن از دست هم در هیچکدام از داستانها نیست، این موضوع به طور غیر مستقیم رفتار افراد را در خانواده را میتواند آموزش بدهد. نویسنده در پایان‌بندی داستانها نیز جنبه سرگرمی را حفظ کرده و داستان را به گونه‌ای به اتمام رسانده است که نکته اخلاقی به طور غیرمستقیم منتقل میشود. نمونه زیر آموزش «عذرخواهی کردن از مردم» در داستان پنجم است؛ این داستان درباره خرید و فروش گردو است. پدر و پسر خانواده گردو می‌فروشند و می‌بینند که کسی گردهای سفت آنها را نمی‌خرد. البته آنها گردوی نازک و گران هم دارند؛ اما گردهای سفت روی دستشان مانده است. پسر خانواده طی اشتباهی، قیمت گردها را جابه‌جا می‌زند و این باعث میشود که مردم سرشان کلاه برود و گردهای سفت را گران بخرند. در آخر پدر و پسر متوجه میشوند قیمتها را اشتباهی گذاشته‌اند؛ از مردم عذرخواهی کرده و پول آنها را پس میدهند. (شفیعی، ۱۳۹۸: ۲۲)

در داستان اول «سه اسب چوبی» ضمن اینکه نویسنده با زبان طنز به اسراف، هدر دادن پول انتقاد کرده است، تفریح پدر و پسر را توصیف کرده است که باهم به استخر می‌روند، خرید میکنند، بازی میکنند اما پولشان تمام میشود و پایان داستان، فردی آنها را به خانه‌شان می‌آورد که به طور غیرمستقیم نشان میدهد که نباید اسراف کنیم. در داستان «گریه» پدر خانواده در نگهداری فرزند خردسال به همسرش کمک میکند. او وقتی می‌بیند همسرش خسته است، پیشنهاد میکند مراقب فرزندش باشد تا همسرش بخوابد هر چند در پایان داستان متوجه میشویم پدر نتوانسته کمک کند. (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۲) در داستان «جشن تولد» آنها میخواهند به جشن بروند اما دیر میرسند و کیک تمام میشود. دلیل دیر رسیدن آنها نیز این است که در حین حاضر شدن مشخص میشود اکثر وسائل خانه‌شان خراب است و باید تعمیر شود. حتی ماشینشان هم موقع حرکت خراب میشود. نویسنده غیر مستقیم به مخاطب کودک توصیه میکند وقتشناس باشد و برای هر کاری همه چیز را از روز قبل بررسی کند و بداند اگر دیر برسد ممکن است فرصت از دست برود. داستان «آدمهای مهربان» آموزه مهربانی و مهربان بودن را تعلیم داده است، پدر و پسر در اتوبوس نشسته‌اند آنها به دنبال پیرمردی می‌گردند تا مهربانی کنند و جای خود را به او بدهند اما پیدا نمی‌کنند و بعد به فروشگاه می‌روند و پدر کیسه برنج خانم سالمندی را بر میدارد و کمک میکند، نیمه راه خسته میشود و خانم سالمند خودش کیسه را بر میدارد و به آنها می‌گوید ورزش کنید «ورزش کنید تا همیشه سالم و سر حال باشید» (همان: ۱۰) اهمیت ورزش برای سلامتی در اینجا مورد توجه است که میتواند کودک را به چالش بیندازد که به جای تفریحات نامناسب، ورزش کنیم.

داستان «کمد سفید» درباره خانه‌تکانی خانواده است. با تعامل باهمدیگر تمامی اعضای خانواده وسایل را مرتب میکنند و میخواهند که کمدشان را عوض کنند؛ اما پول ندارند و به جای غمگین شدن وقتی می‌بینند که کسی در کوچه کمدی را بیرون انداخته است. با یکدیگر می‌گویند: این کمد نو است میتوانیم با رنگ کردن آن کمد دوباره استفاده‌اش کنیم. و کمد خود را در کوچه می‌گذارند. چند روز بعد وقتی برای عید دیدنی به ملاقات همسایه خود

میروند میبینند که آنها نیز کمد قدیمی خانواده را از کوچه برداشته‌اند و با تعمیر و رنگ‌آمیزی آن را استفاده میکنند. اینکه دو خانواده کمد همدیگر را استفاده میکنند، میتوان گفت که کمد هر دو سالم بوده و با رنگ‌آمیزی قابل استفاده مجدد است آموزه تربیتی دارد که به کودک میاموزد بیهوده چیزی را دور نیندازیم.

ارتباط عاطفی با وجود مشکلات خانوادگی: در کتاب «زیبا صدایم کن»، حسنزاده، مسأله طلاق، اعتیاد و روانپریشی را موضوع قرار داده و در محتوا به زندگی دختر پانزده ساله‌ای پرداخته است که در موسسه‌ای زیر نظر بهزیستی زندگی میکند. او در کودکی رنج کارکردن و کتک خوردن و بی‌محبتی چشیده است، مادرش معتاد است، او را ترک کرده و زندگی جدید دارد و پدرش به سبب بیماری روانی در آسایشگاه بیماران روانی بستری است. نویسنده از اسمهای زیبا، پدر، خانه مفهوم نمادین ساخته است، کتاب در حین نقد خانواده بدسرپرست به اهمیت وجود خانواده تأکید دارد، نام «زیبا» تداعی‌گر زیبایی زندگی است که میتوان در میان همه مشکلات و سختیها و زشتیها، زیباییها را دید. شخصیت زیبا از نظر روانشناسی به گونه‌ای است که رفتار و تفکرش آموزه تربیتی دارد. او در کنار پدرش خوشحال است با اینکه در کودکی از پدر آزار دیده اما از او رنجیده خاطر نیست، او زندگی را زیبا میبیند، اهمیت جایگاه پدر حتی با اینکه مشکل روانشناختی داشته باشد، در این داستان مورد تأکید است، زیبا از داشتن خانواده بدسرپرست ناراحت است اما خشم او محتوای داستان نیست؛ از اینکه با پدرش به گردش آمده، خوشحال است و عشق و محبت پدر و دختری بنمایه داستانی قرار گرفته که به طور غیر مستقیم به فضیلت عشق پرداخته و آموزه اخلاقی محبت در خانواده را نشان میدهد، پدرش او را «نباتم» صدا میکند. وقتی پدرش گیر میافتد و مأموران برای برگرداندن او به آسایشگاه او را پیدا میکنند، هنگام رفتن به زیبا میگوید «یه دیوونه هیچوقت به عشقش پشت نمیکنه، بغضش را قورت داد و گفت زمونه ما رو گزید، جنگ و موج انفجار و ضربه‌های روحی، ضربه فنی مون کرد و گرنه ما سگ کی باشیم با آدمهای خوب زندگی دریغفتیم» (حسنزاده، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

پایان کتاب با بحران نیست بلکه سخن از تولد گرفتن برای زیبا در خانه است که نشانی از امنیت و آرامش و اهمیت خانواده را تداعی میکند.

در آغاز داستان، روز قبل تولدش، پدر به او زنگ میزند و از میخواد فردا به دنبال او بیاید و باهم به گردش بروند و تولدش را جشن بگیرند. زیبا به آنجا میرود، به پدر کمک میکند تا از آسایشگاه فرار کند. پدر موتور یکی از کارکنان آسایشگاه را میدزد تا با هم به گردش بروند و تولد زیبا را جشن بگیرند. اما همه چیز مطابق میل و برنامه آنها نیست. پدرش هنوز خوب نشده و مشکلات روانی‌اش آشکار میگردد. در آسایشگاه روانی نیز به دنبال او میگردند، سرانجام او را پیدا میکنند و میبرند و زیبا تنها میماند. حسنزاده داستان را در اینجا تمام نمیکند بلکه بخش پایانی داستان نیز تلفنی از سوی پدر معنوی است که از او میخواد به خانه بیاید تا تولدش را جشن بگیرد، نویسنده به عنوان پدر معنوی زیبا وارد داستان میشود و به او زنگ میزند

«یکی نبود یکی بود همه رفتند و زیبا تنها شد. هیچکس با زیبا کاری نداشت. تو تاریک و روشن کوچه بن‌بست ایستادم و رفتن ماشین را نگاه کردم. از تاریکی، روشنایی را دیدن خیلی خوب است. تو همه را میبینی و هیچکس تو را نمیبیند. اگر باران هم ببارد که معرکه میشود. بارانی که باد بکوبد به سر و رویت. این جای داستان بودم که شما زنگ زدید. گفتید: «تو معلوم هست کجایی دختر؟» این جور پرسیدنتان را دوست داشتم گفتم: «اینجا». گفتید: «اینجا کجاست؟» گفتم: «زیر بارون. شما کجایی؟» گفتید: «اینجا». گفتم: «اینجا کجاست؟» گفتید: «خونه» گفتید: «همه هستن» گفتید: «خیلی دلوپست شدیم از هرکی فکر کنی سراغتو گرفتیم خیلی زنگ زدیم بهت چرا جواب ندادی؟» گفتم: «نمیشد». گفتید: «یعنی چی نمیشد؟» گفتم: «داستانش مفصله باید ببینمتون،

پدر، حالا مگه چی شده؟ گفتید: «خواستیم غافلگیرت کنیم نشد.» گفتم: «چی شده؟» گفتید: «یه ساعته با بچه‌های مؤسسه نشستیم تا بیای پونزده تا شمعو فوت کنی و بهمون کیک بدی و برامون ساز بزنی و شادمون کنی ولی انگار نه انگار. میخوای بیام دنبالت؟» گفتم: «نه پدر خودم آروم آروم میام.» (همان: ۱۸۹-۱۹۰)

ارتباط فرزندان و والدین: کتاب «وقتی مژی گم شد» از کتابهای تربیتی روانشناختی است که محتوای آن برای والدین و هم برای نوجوانان آموزه تربیتی دارد. هر بخش داستان از زبان یک شخصیت روایت میشود و بدینگونه آموزه‌های تربیتی برای والدین و فرزندان را میتوان از محتوا به دست آورد. محتوای داستان، سفر رفتن دو خواهر با همسر و فرزندان‌شان است، هر دو خواهر فرزند دختر به نام مژگان و مژده دارند. در سفر هنگام صرف غذا، پدر مژگان قرصهای زخم معده‌اش را میخواهد اما مژگان فراموش کرده آن را بیاورد. پدر و مادر او را مقصر میدانند و پدر به او میگوید: «مرده شورت ببره دختر که آدم نمیشی» (شاه‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۵)، با این جملات ناشایست، مژگان غمگین میشود، پدرش نیز او را میراند، مژگان از همان روز ناپدید میگردد. بعد از گمشدن مژگان، پدر قبول میکند که مقصر گم شدن مژگان است، به مخاطب میگوید «بله من، من مقصرم؛ اگر من آن شب آن دعا را با دخترم راه نمیانداختم آن بلا سر مژی نمیآمد. آن شب وقتی سوزش خفیف وسط معده‌ام را حس کردم از ترس آنچه بعدش از راه میرسید خودم را باختم» (همان: ۱۸)

خانواده همه جا را جستجو میکنند، در این جستجو، شاه‌آبادی به مباحث اجتماعی چون فریب دختران نوجوان در جامعه، عدم توجه والدین به تربیت صحیح، پرداخته و آموزه‌های تربیتی در مراقبت فرزندان دارد سرانجام معلوم میشود که مژگان تمام مدت در کمد پنهان شده‌است (همان: ۵۷-۵۸). نویسنده هم به چرایی و علت این اتفاق میپردازد و هرچیزی که میتواند مقصر باشد را میگوید و خانواده را مقصر میدانند و در این توصیفات به طور غیرمستقیم رفتارهای نامعقول خانواده‌ها در بزرگ کردن فرزندان را مورد نقد قرار میدهد، از زبان مادر مژگان روایت میشود که مشکلات مژگان بعد از مرگ مادر بزرگ آغاز شد، او افسرده شد، در امتحانات تجدید آورد، بعد از اتفاق آتشسوزی آشپزخانه، دچار لکنت شد، رابطه آنها به گونه‌ای شد که با فرزندش دعا کرد و به او گفت «خفه شو»، «گمشو» (همان: ۶۹) وقتی او پیدا میشود، خانواده با گم شدن مژده روبه‌رو میشوند. خانواده‌اش خیال میکنند او فرار کرده است در حالیکه اینگونه نیست، پس از پیگیری آشکار میشود که او توسط یکی از دوستانش و به بهانه بردن او نزد مژگان دزدیده شده و به خانه‌ای امن برده شده‌است. مجرمان که شغلشان دزدیدن دختران نوجوان است، پس از روبه‌رو شدن با پلیس و فرار به دلیل سرعت زیاد تصادف میکنند و مژده قطع نخاع میشود. (همان: ۹۶) نویسنده با قرار دادن این مشکل همیشگی در زندگی مژده او را یک شخصیت منزوی و افسرده نشان نداده است بلکه او طراحی میکند، اولین طرحش نیز طرح «خانم جان» (مادر بزرگ) است که میکشد و بر دیوار اتاقش میزند (همان: ۹۷).

آموزه‌های تربیتی و اخلاق اجتماعی در جامعه

منظور از اخلاق اجتماعی «مجموعه فضایل و رذایلی است که در روابط اجتماعی فرد و تعامل او با دیگران نمود مییابد» (تقوی، ۱۳۹۰: ۹۰) آموزه‌های تربیتی در موضوع اخلاق اجتماعی، آموزش ارتباط کودک با جامعه است، زیرا رفتار فرد در اجتماع در ارتباط با دیگران نشان میدهد که در اخلاق اجتماعی چگونه است «حضور فرد در جامعه به صورت مجموعه‌ای از عملکرد و رفتار اوست که مبنای سبک زندگی اجتماعی قرار میگیرد، سبک و رفتار اجتماعی انسان، رابطه متقابلی با رشد و تکامل روح فردی دارد» (موحدی، ۱۳۹۴: ۹).

در این آموزه در محتوای داستانها، اهمیت خانه و وطن برای کودک، احترام متقابل افراد در جامعه و نوع دوستی، حفظ شأن بزرگترها، اهمیت کودکان در جامعه، احترام به قوانین و در تفکر انتقادی نقد صریح جامعه، نقد نگاه مردم به همدیگر، انتقاد از رفتارهای شخصی افراد در روابط اجتماعی، گفتن معایب جامعه با طنز دیده میشود. آموزه‌ها نیز اغلب در قالب دیالوگ شخصیت‌های داستانی آمده است. موارد زیر در داستانهای مورد بررسی مشاهده میشود که با طنز، نمادسازی و داستان جدی است.

لزوم رعایت اخلاق و قانون در جامعه: نکوهش افرادی که به دیگران احترام نمیگذارند، قانون را رعایت نمیکند، آداب و رسوم جامعه را نمیدانند در «خاطرات خون‌آشام عاشق» حسنزاده در محتوای طنز آمده است که به طور غیرمستقیم آموزه‌های تربیتی برای اخلاق اجتماعی کودک و نوجوان مثل رعایت احوال دیگران در جامعه، لزوم رعایت ادب و عفت کلام مخصوصاً در مکانهای عمومی و در نهایت آموزه اخلاقی باوجدان بودن و مهربانی را به کودک و نوجوان میآموزد، از زبان شخصیت «پشه» رفتار غیرمؤدبانه مرد آبمیوه‌فروش در اتوبوس روایت شده که بلند بلند با موبایل صحبت میکند و به تذکر دیگران اهمیت نمیدهد و با این نقد، به طور غیرمستقیم اهمیت رفتارهای شخصی، در جامعه آموزش داده میشود. مرد آبمیوه‌فروش که شخصیت منفور قصه است، مسواک نمیزند، دهانش بو میدهد و با صدای بلند دور از نزاکت در یک مکان عمومی حرف میزند و به افراد سالمند احترام نمیگذارد و حرف زشت میزند. رفتارهای او باعث میشود راننده او را از اتوبوس پیاده کند «راننده اتوبوس، محترمانه یقه آبمیوه‌فروش را گرفت و محترمانه از او خواست که از اتوبوس پیاده شود» (حسنزاده، ۱۳۹۲: ۳۹) در ادامه به پرداخت مالیات توجه کرده که همه باید مالیات بدهند (همان: ۴۱) اما آبمیوه‌فروش مالیات نمیدهد تا اینکه مأمور مالیات میآید و او را دستگیر میکند (همان: ۴۴) پشه متوجه میشود که آبمیوه‌فروش لواشک غیربهداشتی به دختران دانش‌آموز میدهد (همان: ۴۸) سیگار کشیدن هم نکوهش شده، پشه وقتی میبیند آب میوه‌فروش سیگار میکشد میگوید: «مردک دارد با دود سیگار خودش، خودش را میکشد من چرا خودم را زحمت بیندازم» (همان: ۵۴). غیر از این موارد نکوهش اسراف و سبک زندگی غلط و آموزه کمک به هم‌نوع در رفتار پشه دیده میشود. در جایی دیگر وقتی پشه به دنبال آب‌میوه‌فروش برای انتقام است، به خانه‌ای میرود که یک زن چاق، ران مرغی در دست دارد و ناراحتی میکند چرا لاغر نمیشود، شوهرش به او میگوید با تردمیل که برایش گرفته ورزش کند، در حالیکه در طبقه پایین او فردی لاغر نحیف است که چیزی برای خوردن ندارد، پشه ناراحت میشود و میگوید کاش میشد از ثروتمندان اسراف‌کار بگیرد و به فقرا کمک کند برای همین خون زن چاق را میکشد و به فرد لاغر تزریق میکند (همان: ۲۰-۲۱)

مهارت اجتماعی و کارگروهي: در داستان «هندوانه» و «سه اسب چوبی» با داستان فکاهی، شفیعی، به طور غیر مستقیم، مهارت اجتماعی «کارگروهي» آموزش داده شده است، در خانواده همکاری میان اعضای خانواده وجود دارد. صمیمت و تلاش کل خانواده در کنار هم مشخص است، پدر خانواده با بچه‌ها ارتباط صمیمی دارد، به پارک و سینما میروند مادر بزرگ گاهی به خانه آنها میآید و در کنار آنها زندگی میکند. اعضای خانواده باهم به خرید میروند. مخاطب کودک و نوجوان در ضمن سرگرمی با محتوایی شاد، کارکردن، خودمراقبتی، رفتارهای صحیح اجتماعی و لزوم داشتن مهارت‌های اقتصادی، احترام به بزرگتر و مهربانی را یاد میگیرند. برای نمونه در داستان دوم از مجموعه «سه اسب چوبی» شفیعی درباره تلاش پدر و پسر برای کمک‌کردن به هم‌نوع خودشان گفته است. آنها به دنبال فردی میگردند که به او کمک کنند؛ اما هر بار اشتباه میکنند و ناراحت میشوند. در آخر دختر بچه‌ای را پیدا میکنند که دستش به زنگ خانه نمیرسد و نمیتواند به خانه‌اش برود. آنها به دختر کمک

میکنند و زنگ خانه دختر را میزنند. دختر خوشحال میشود و پدر و پسر نیز از اینکه توانسته‌اند به کسی کمک کنند لبخندی از شادی بر لبشان مینشینند. (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱)

کمک به هم‌نوع: در موش سر به هوا، کمک به هم‌نوع مورد تأکید است، هفت موش باهم سفر می‌روند، در راه گردو و پنیر پیدا میکنند. اما به موش هفتمی نمیدهند زیرا او سربه هوا است و کوله غذا را فراموش کرده است بنابراین چون فراموش کرده معتقدند نباید غذایی که پیدا میکنند بخورد. سرانجام عقابی در پی حمله به آنها هجوم می‌آورد، موش سربه هوا عقاب را میبیند و فریاد میکشد تا همه پنهان شوند، رفتار موش کمک به هم‌نوع است با اینکه دوستانش به او بدی کرده بودند و غذا نداده بودند اما موش به آنها کمک میکند، بعد از رفتن عقاب، موشها خوشحالی میکنند و میخواهند از موش سربه هوا تشکر کنند اما موش به دلیل گرسنه بودن از ضعف به گودال افتاده است، او را میبایند موش میگوید به جای تشکر به او غذا بدهند، تازه آنها یادشان میافتد که کار اشتباهی کردند بنابراین میگردند و برای او غذا پیدا میکنند (حسنزاده، ۱۳۹۸: ۳۸-۴۰)

اهمیت وطن و هویت ملی: داستان «ماهی قرمز، ماهی طلایی» را میتوان نمونه‌ای آموزه تربیتی روانشناختی برای اهمیت وطن و خانه معرفی کرد. وطن دوستی مضمونی است که در ادبیات کودکان نمود پیدا کرده و باعث شکلگیری هویت و ملیت مخاطب شده و حس میهن دوستی را به او انتقال میدهد (علایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶) این داستان در ظاهر کودکانی که متناسب کودکان دوران دبستانی تألیف شده، میتواند نمادین تفسیر شود، بنمایه داستان، جدا شدن دو ماهی دوست از همدیگر است که وقتی ماهی قرمز بار دیگر به نزد ماهی طلایی برمیگردد، چون محیط آنجا را دوست ندارد و متروک است، رفاقت با ماهی طلایی را نادیده گرفته و به جایگاه اولش برمیگردد. ماهی قرمز نماد افرادی هستند که از کشور خود مهاجرت میکنند و نمیتوانند خودشان را با دنیای دیگر وفق دهند. ماهی طلایی هم نماد افرادی است که خود را با مکانهای غریب وفق میدهند و همرنگ جماعت میشوند.

احمدی که خود جزو افرادی است که مهاجرت را انتخاب نکرد و در ایران ماند، شاید همان ماهی قرمز پیر باشد که میخواهد به کودک این مطلب را یاد بدهد که وطن انسان مهمترین جایی است که انسان در آنجا زندگی میکند و باید قدر وطنش را بداند و اینکه زندگی در محیط بیگانه با توجه به ناآشنا بودن به محیط و بیگانه بودن با فرهنگ آن سرزمین بسیار سخت است و در کل مفهوم وطن دوستی را که یک مفهوم اجتماعی است به کودک یاد میدهد. در آغاز داستان، وقتی ماهی طلایی از ماهی قرمز جدا میشود، ماهی قرمز گریه میکند و آواز غمگین میخواند و حتی آرزوی مرگ دارد: «تنها ماند به گودالی پناه برد. نمیخواست ماهیان دریای بزرگ را ببیند تا با او درباره ماهی طلایی حرف بزنند. آرزو داشت صیادان او را صید کنند تا روی شنهای ساحل جان بسپارد. فقط گاهی به یاد ماهی طلایی آواز غمگینی را که از ماهی پیر دریا آموخته بود. میخواند» (احمدی، ۱۳۹۵: ۵) پرندگان وقتی ناراحتی او را میبینند، او را از جایی که در آن زندگی میکند، بر میدارند و به جایی که ماهی طلایی وجود دارد میاندازند. آنجا گرچه امکانات خوبی دارد و دوستش آنجاست اما برای ماهی قرمز جای بیگانه است، ماهی طلایی به او میگوید «یک سال که در اینجا زندگی کنی رنگت طلایی میشود و زبان ماهیان طلایی را میفهمی، ما همیشه کنار هم هستیم و باهم زندگی میکنیم. در این دریا نه از صیاد خبری است نه از توفان و نه صدای سوت کشتیها آزارت میدهد. این دریا متروک است» (همان: ۲۱) اما ماهی قرمز با وجود تمام امکاناتی که در آنجا است و خطری برایش نیست به او میگوید دیگر پیر شده و توان زندگی در دریای بیگانه را ندارد (همان) پایان داستان چنین است که یک روز صبح که ماهی طلایی خواب بود ماهی قرمز از پرنده‌های عجیب درخواست کرد که او را بازگردانند و پرنده‌های عجیب اینکار را کردند (همان: ۲۲)

خیانت و لزوم همیاری باهم برای مقابله با خائن: داستان «احتیاط! خطر حمله موشها و دیگران» در موضوع خیانت، آموزه اخلاقی دارد که هم در جنبه فردی و هم اجتماعی و خیانت به مردم قابل بیان است. هدف اصلی نویسنده نشان دادن خیانت‌هایی است که میتواند در یک جامعه یا بین چند فرد و دوست انجام بگیرد. عدم آگاهی مردم یا دیر آگاه شدن مردم از طرفی دیگر به افراد خائن فرصت انجام کارهای خود را میدهد اما وقتی خائن مشخص شد باید با آن برخورد کرد.

در این داستان، موشها به روستایی حمله میکنند و ذخیره گندم و برنج را میخورند، مردم روستا برای مقابله با خطر موشها، مشورت میکنند، خلیپها ناامید هستند و میخواهند روستا را ترک کنند اما کدخدا پیشنهاد میکند که لشکر گربه‌ها را برای مقابله با موشها به روستا بیاورند، مردم میپذیرند

«بزرگترین اشتباه ما ناامیدی است. نباید ناامید شد همیشه برای نجات راهی هست؛ مطمئنم با عقل و اراده میشود به جنگ موشها رفت. لبخند جای ناامیدی را در چهره مردم گرفت کدخدا باز سرفه‌ای کرد. باید با دشمن موشها به جنگ موشها رفت. گربه‌ها مردم از خوشحالی هورا کشیدند و کف زدند. ما دشمن موشها نیستیم؛ اما گربه‌ها چرا. باید بزرگترین لشکر گربه‌ها را به روستا بیاوریم به هفته نمیرسد که از شر موشها خلاص شده‌ایم. مردم باز هم هورا کشیدند و کف زدند» (شجاعی، ۱۳۹۳: ۱۰)

گربه‌ها وارد روستا میشوند اما آنها مأموریت خود را انجام نمیدهد و در ازای موش گرفتن، گوشت تازه مرغ و شیر میخواهند، مردم تقاضای آنها را برآورده میکنند اما همچنان موشها زیاد میشوند و گربه‌ها کاری نمیکند، شبی مردم روستا تصمیم میگیرند پنهانی دلیل عدم همکاری گربه‌ها را بفهمند. آنها گربه‌ها را تعقیب میکنند و متوجه میشوند گربه‌ها و موشها باهم دوست شدند «گربه‌ها و موشها باهم دست به یکی کرده بودند. هر شب نزدیک روستا مهمانی شگفت‌انگیزی برپا میشد، گربه‌ها گوشت و مرغ و شیری را که مردم روستا داده بودند میخوردند و موشها هم گندم و برنج مردم را» (همان: ۱۸-۱۹) مردم عصبانی میشوند و تصمیم می‌گیرند رئیس گربه‌ها را در میدان روستا بکشند، به خانه کدخدا میروند تا برای اینکار مشورت کنند اما ناباورانه میبینند که رئیس گربه‌ها با کدخدا دوست است و برای او غذا آورده است «رئیس گربه‌ها، ظرفهایی از گوشت و مرغ و شیر و نان قندی را به کدخدا تحویل داد و هر دو خندان از هم خداحافظی کردند» (همان: ۲۳) مردم میفهمند که کدخدا خائن به آنها بوده است. داستان در اینجا با پایان باز تمام میشود و نویسنده به صراحت در مورد سرنوشت مردم روستا، کدخدا و گربه‌ها نمیگوید اما در تصویر کتاب، در دو تصویر، کدخدا و رئیس گربه‌ها را میبینیم که مردم با طناب بسته‌اند و میخواهند آنها را از بلندی به زمین بیندازند. (همان: ۲۴-۲۵) در این مفهوم، جرم خیانت، مرگ آمده است که کودک در تصویرها درمییابد.

توجه به محیط زیست و آموزه‌های بهداشتی: حفظ طبیعت، توجه به محیط زیست، اهمیت بهداشت در جامعه و لزوم رعایت بهداشت فردی در داستانهای دهه نود، بخشی از موضوعات داستانها یا موضوع محوری است. حسنزاده در داستان «خاطرات یک خون آشام عاشق» در توصیفهای پشه خون‌آشام، آموزه‌های بهداشتی را با نقد به زبان طنز به مخاطب یاد میدهد. شخصیت اصلی داستان که پشه است، نظافت شخصی خود را رعایت میکند، ورزش میکند، مؤدب است و از دیدن موارد غیربهداشتی ناراحت میشود. برای نمونه در آغاز داستان، پشه، غیربهداشتی بودن میوه‌فروشی را در توصیفاتش چنین گفته است:

«یک روز با نامزدم رفتم آب‌میوه فروشی که گفتم آقا نوشیدنی خنک چی دارین؟ ولی آن آقای نامرد اصلاً محل نگذاشت که داشت موزه‌های گندیده و له‌شده را میریخت توی مخلوط‌کن و با شیر قاطی پاتی میکرد که رفتم پیش

دوستش شاید هم همکاری بود که من که فرق بین این دو را نمیفهمیدم که گفتم: «داداش مخمون از گرما جوش آورده که بیزحمت دو تا نوشیدنی خنک که» و به نامزدم لبخند زدم که یعنی ما را دست کم نگیرد که نامزدم هم لبخند زد که معنی‌اش این بود که تو عزیز دلمی؛ اما این یکی هم حواسش نبود که داشت هویجهای کثیفی را که چند روز توی آب خیسانده بود، مثلاً آبکشی میکرد» (حسنزاده، ۱۳۹۲: ۳ - ۴)

روزی که برای انتقام نامزدش می‌رود و آنجا را تعطیل می‌بیند، می‌فهمد مغازه به دلیل تخلف بهداشتی بسته شده است: «روی پارچه نوشته‌اند این مغازه تا اطلاع ثانوی تعطیل است» (همان: ۱۳) در ادامه کودکی را می‌بیند که کاغذ بستنی را به زمین می‌اندازد؛ این امر باعث ناراحتی خون‌آشام می‌شود به گفته خودش «این کارش از کشتن صدا تا نامزد بدتر بود که» (همان: ۱۴-۱۵) و این تذکر را در داستان به مخاطب می‌دهد که چرا بعضی از انسانها باید آشغال بریزند و محیط زیست را کثیف کنند و دیگران زحمت بکشند و محیط زیست را تمیز کنند (همان). یک روز هم وقتی برای انتقام می‌رود در راه، مغازه کثیفی می‌بیند که همه چیز در آن گندیده و بوی بد می‌دهد (همان: ۲۴) به دنبال فرد صاحب مغازه می‌رود تا انتقام بگیرد. او به دندانپزشکی می‌رود و دندانپزشک به او می‌گوید: «اگر از کودکی مراقب دندانهایت بودی آنها را کرم نمی‌خورد» (همان: ۳۱)

در این محتوا، آموزه‌هایی از جمله: لزوم رعایت بهداشت در محل زندگی، نیانداختن زباله در خیابان، مراقبت بهداشتی از دهان و دندان، نظافت شخصی، گوشزد کردن به دانش‌آموزان بابت تهیه نکردن تنقلات غیر بهداشتی. لزوم حفظ سلامت فردی و تناسب اندام و ورزش کردن به طور غیر مستقیم آمده است.

داستان «کبوتر باشی و زارفه‌های پرنده» ملکپاری به طور اختصاصی با موضوع محیط زیست و بهداشت نوشته شده است، راه‌های حفاظت از محیط زیست (حیوانات) را به کودکان آموزش می‌دهد. نشان می‌دهد که رها کردن زباله‌ها در محیط زیست، ریختن مواد زاید کارخانه‌ها در آنها، رها کردن فاضلاب، کف صابون، وایتکس و مواد شیمیایی در آنها و محیط زیست، ایجاد کردن آلودگی صوتی، چه آسیبها و ضررهایی را برای حیوانات و محیطی که در آن زندگی میکنیم به بار می‌آورد. داستان درباره یک کبوتر دکتر است که بیمارها را درمان میکند. او بالای یک آپارتمان مطب دارد و هر روز تعداد مریضهایش هم به خاطر آلودگی هوا، افزایش زباله‌ها در شهر و طبیعت و افزایش آلودگی صوتی بیشتر میشوند. (ملکپاری، ۱۳۹۷: ۶) ملکپاری، مشکلاتی که انسانها در محیط زیست برای حیوانات به وجود آوردند؛ بیان کرده است، برای نمونه یک ماهی را در تنگ آب نزد کبوترباشی برای مداوا می‌آورند و کبوتر باشی می‌گوید این چه جور ماهی است که در آب نمیتواند نفس بکشد ذره‌ای از آب را آزمایش میکند و می‌بیند که آلوده به انواع مواد شیمیایی است که انسانها بی‌رویه در آنها رها کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در دهه نود داستانهای کودک و نوجوان با تنوع موضوعی در جهت آموزه‌های تربیتی به کودکان و نوجوانان آثار ارزنده‌ای چاپ شده است، نویسندگان با سرگرمی کودکان، طنز و داستان فکاهی و جدی، بازنویسی آثار ادبیات کلاسیک، نمادسازی از شخصیت‌های حیوانی در حوزه اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اهمیت خانواده و وطن داستان نوشته‌اند. در این مقاله که تعداد ده اثر برجسته - که با نمونه‌گیری تصادفی و با تأکید بر پرمخاطب بودن انتخاب شده بود - در گروه‌های سنی مختلف بررسی شد، آثار به صورت داستان جدی «احتیاط خطر حمله موشها و دیگران»، «زیباصدایم کن»، «وقتی مژی گم شد»، طنز و فکاهی «هندوانه»، «سه اسب چوبی»، «خاطرات خون‌آشام عاشق»، بازنویسی ادبیات کهن «گلستان سعدی از قصه‌های شیرین ایرانی»، داستان از زبان حیوانات با جنبه

سرگرمی و تعلیمی با تفسیر نمادین: موش سربه هوا، ماهی قرمز ماهی طلایی، کبوترباشی و زرافه‌های پرنده، چاپ شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد، رشد روانی کودک و دوری از رذایل اخلاقی، توصیه به فضیلتها، اهمیت بنیان خانواده و جایگاه فرزندان در آن، اهمیت جامعه و رعایت اخلاق اجتماعی، وطن، حفظ محیط زیست محوریت موضوعی داستانها میباشد، در آموزه‌های تربیتی، نکوهش رذیلتها مثل خساست، نامهربانی، اسراف، ریختن زباله، عصبانی شدن، رفتار نادرست با هم‌نوع، اغلب با یک تفکر انتقادی آمده است که در بهبود مهارت‌های زندگی کودک مؤثر است.

در توصیه به فضیلتها مواردی همچون مهربانی، بخشش، رعایت بهداشت فردی، کمک به هم‌نوع، همکاری و همیاری باهم، کمک به اهل خانواده، همکاری کردن در کارهای خانه، تربیت فرزند و توجه به عواطف آنان، لزوم برخورد با خائن، اهمیت وطن و هویت ملی و حفظ محیط زیست دیده میشود. این آموزه‌ها با تفسیر نمادین، گفتگوهای شخصیتها، نقد با زبان طنز آمده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت سرکار خانم دکتر ربابه داهیم و سرکار خانم مطهره صلح‌جو میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmadi, Ahmad Reza (2016) Red Fish, Golden Fish, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Babasalar, Ali Asghar, Al-Marei, Hossein (2017) "A Study of Children and Adolescent Fiction Literature in Iran in the Forties and Fifties in Terms of Theme Based on Eighteen Stories by Eleven Authors", Bahar Adab, Vol. 38: pp. 45-64
- Taghavi, Seyed Hossein (2011) The Rite of Life (Applied Ethics). Qom: Nasim Zohor.
- Hassanzadeh, Farhad (2012) Golestan Saadi, Sweet Iranian Stories, Tehran: Surah Mehr.
- Hassanzadeh, Farhad (2013) Memoirs of a Loving Vampire, Tehran: Charkh O Falak.
- Hassanzadeh, Farhad (2014) Call Me Beautiful, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Hassanzadeh, Farhad (2019). The Mouse in the Air, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Rahmani Khiawi, Samad (2004) Children's Literature (Poetry and Short Stories), Tabriz: Homazar

- Rashtchi, Mozghan (2010) "Children's Fiction Literature and Its Role in the Development of Thinking", *Thought and Child Journal*, Vol. 2, pp. 23-37
- Seif, Ali Akbar (2008) *Modern Educational Psychology*, Tehran: Dervan
- Shahabadi, Hamid Reza (2012) *When the Magician is Lost*, Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Shojaei, Seyed Ali (2019) *Caution! The Danger of Attacks by Mice and Others*, Tehran: Nistan.
- Shafiei, Shahram (2016) *Three Wooden Horses, from the Collection of Stories of Me and My Children*, Tehran: Simay Shargh.
- Shafiei, Shahram (2019) *Watermelon, from the collection of stories of me and my children*, Tehran: Simay Shargh.
- Alaei Maryam, Yozbashi Maryam, Nouraei Nia Zohreh (2011) "A study on the social and educational content of contemporary children's poetry (based on the poems of Asadollah Shaabani, Jafar Ebrahimi and the legend of Shaban Nejad), *Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab)*, No. 7, pp. 32-17
- Kashfi Khansari, Seyed Ali. (2015). "Introduction to children's literature in the encyclopedia Iranica and its margins" *Ayenah Pajoush*, No. 36, pp. 523-545
- Moein, Mohammad (2002) *Moein's culture*, Tehran: Edna.
- Malekiari, Masoud (2018) *Pigeon-fighting and flying giraffes*, Tehran: Techni Iran.
- Melantin, Claire (2019) *Play Therapy*, translated by Mohammad Reza Salari and others, Tehran: Nedaye Karfarin.
- Gheraz, Roghieh (2019) *The Role of Play in Teaching and Learning*, Tehran: Hurin.
- Movahedi Vala, Mohammad Reza (2015) *An Introduction to Individual and Social Ethics*, Qom: Arbab Andisheh.
- Hedayati, Mohammad (2014) "Ethics: Definition, Subject and Purpose", *Ethical Studies*, Vol. 4: pp. 123-142

فهرست منابع فارسی

احمدی، احمد رضا (۱۳۹۵) ماهی قرمز ماهی طلایی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

باباسالار، علی اصغر، المرعی، حسین (۱۳۹۶) «بررسی ادبیات داستانی کودک و نوجوان در ایران در دو دهه چهل و پنجاه از لحاظ درونمایه با تکیه بر هجده داستان از یازده نویسنده»، بهار ادب، ش پیاپی ۳۸: صص ۴۵-۶۴

تقوی، سید حسین (۱۳۹۰) آیین زندگی (اخلاق کاربردی). قم: نسیم ظهور.

حسنزاده، فرهاد (۱۳۹۱) گلستان سعدی، قصه‌های شیرین ایرانی، تهران: سوره مهر.

حسنزاده، فرهاد (۱۳۹۲) خاطرات یک خون‌آشام عاشق، تهران: چرخ و فلک.

حسنزاده، فرهاد (۱۳۹۳) زیبا صدایم کن، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

حسنزاده، فرهاد (۱۳۹۸). موش سر به هوا، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

رحمانی خیای، صمد (۱۳۸۳) ادبیات کودکان (شعر و قصه)، تبریز: هماد.

رشتچی، مژگان (۱۳۸۹) «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر»، نشریه تفکر و کودک، ش ۲، صص ۳۷-۲۳

سیف، علی اکبر (۱۳۸۷) روانشناسی پرورشی نوین، تهران: دروان

شاه‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۱) وقتی مژی گم شد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شجاعی، سید علی (۱۳۶۲) احتیاط! خطر حمله‌ی موش‌ها و دیگران، تهران: نیستان.

شفیعی، شهرام (۱۳۹۵) سه اسب چوبی، از مجموعه قصه‌های من و بچه‌هایم، تهران: سیمای شرق.

شفیعی، شهرام (۱۳۹۸) هندوانه، از مجموعه قصه‌های من و بچه‌هایم، تهران: سیمای شرق.

علایی مریم، یوزباشی مریم، نورایی نیا زهره (۱۴۰۰) «پژوهشی در محتوای اجتماعی و تربیتی در شعر معاصر کودک (با تکیه بر اشعار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و افسانه شعبان نژاد)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۷، صص ۳۲-۱۷

کاشفی خوانساری، سیدعلی . (۱۴۰۴). «مدخل ادبیات کودک در دانشنامه ایرانیکا و حاشیه‌هایی بر آن» آینه پژوهش، شماره ۳۶، صص ۵۲۳-۵۴۵

معین، محمد (۱۳۸۱) فرهنگ معین، تهران: ادنا.

ملکیاری، مسعود (۱۳۹۷) کبوترباشی و زرافه‌های پرنده، تهران: فنی ایران.

ملنتین، کلیر (۱۳۹۸) بازی درمانی، ترجمه محمدرضا سالاری و دیگران، تهران: ندای کارآفرین.

منحصر، رقیه (۱۴۰۲) نقش بازی برآموزش و یادگیری، تهران: هورین.

موحدی والا، محمدرضا (۱۳۹۴) مقدمه‌ای بر اخلاق فردی و اجتماعی، قم: ارباب اندیشه.

هدایتی، محمد (۱۳۹۳) «علم اخلاق: تعریف، موضوع و هدف»، پژوهشهای اخلاقی، ش ۴: صص ۱۲۳-۱۴۲

ربابه داهیم، مطهره صلح‌جو

معرفی نویسندگان

ربابه داهیم: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: r.dahim@cfu.ac.ir)

(ORCID: 0009-0002-4789-1413)

مطهره صلح‌جو: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

(Email: motaharehslj@gmail.com)

(ORCID: 0009-0008-0469-3293)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Robabeh Dahim: Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: r.dahim@cfu.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0009-0002-4789-1413)

Motahareh Solhjoo: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Urmia University, Urmia, Iran.

(Email: motaharehslj@gmail.com)

(ORCID: 0009-0008-0469-3293)